

ظرفیت یادگیری سیاسی اصولگرایی



کیومرث اشتریان

۱- انتخابات مقدس نیست؛ بلکه عرصه‌ای برای مبارزه قدرت و مقام و منزلت و منافع گروه‌های گوناگون است. اگرچه انتخابات در هنگامه‌هایی خاص، کارکردهای امنیت ملی دارد. اما آن را نباید همیشه و ضرورتاً به کل انقلاب و نظام و اسلام و ایران گره زد. اغلب این دعوای من و توسل برای دستیابی به مناصبی که در کشور وجود دارد یا برای دستیابی به مقام و موقعیت. چرا باید این دعوای شخصی یا گروهی را به یک دعوای ملی یا دینی تبدیل کنید؟ چرا باید دعوای منافع را در زوروقی از ارزش‌ها بیوشانیم؟ بسیاری از عرصه‌ها منطقه‌الفرغ است و حکومت تا آنجا که می‌تواند باید بنای مشروعیت خویش را از آن بیرون بکشد. از انتخابات بگیرد تا نظارت استصوابی و بسیاری از تصمیمات بخش عمومی. اینها هیچ‌کدام امور مقدس نیستند. آن‌گاه که چنین بیندیشیم، زمینه برای یادگیری سیاسی فراهم می‌شود.

۲- پیش‌بینی ناپذیری رفتار انتخاباتی و بی‌ثباتی سیاسی یکی از موضوعات اساسی در این انتخابات بود که باید به آن هشدار داد. میزان مشارکت و آرای برخی از نامزدها با اغلب نظرسنجی‌ها مغایر بود. یکی از علل بی‌ثباتی فکر سیاسی این است که دیرزمانی است که در این کشور به شکلی پنهان با تحزب مبارزه می‌شود تا مبدا «قدرت اغیار» شکل بگیرد. این خود سبب می‌شود تا در این فرایند تاریخی، یادگیری سیاسی نداشت‌باشیم. به هر اندازه که در مبارزه با تحزب موفق می‌شوید، به همان اندازه کشور را با سیلاب‌های خاموش و نهان مواجه می‌کنید و به همان اندازه زندگی سیاسی مردمان را با بی‌اطمینانی، نکته‌تاسف‌بار این است که برخی از اشخاص و نهادها که چنین کرده‌اند، هنوز نمی‌دانند با کشور چه کرده‌اند. به جای اینکه احزاب سیاسی مبارزه قدرت را در سطح مدنی به پیش ببرند، آن را به پستوهای پنهان نهادهای خاص برده‌اند. در چنین ابهامی است که اینک برای آن ۶۰ درصد که مشارکت نکرده‌اند، مدعیان بی‌شمار سر برآورده‌اند.

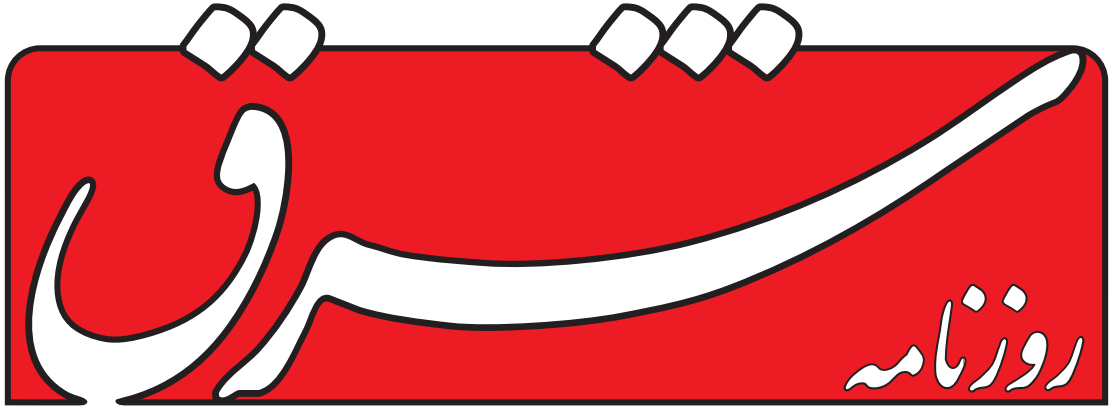
۳- نکته دیگر آنکه کارکردهای اصلاحی انتخابات را از کار می‌اندازد. چه‌بسا مردمان در کوچ و بازار می‌گویند خوب! بر فرض که رای دادیم. از همان ابتدا نهادها و گروه‌هایی که همه ما می‌شناسیم، شروع به سنگ‌اندازی می‌کنند. مثلاً هرچند می‌دانیم که گروهی در اقلیت‌اند اما صداوسیما و بسیاری دیگر از نهادها را در اختیارشان قرار می‌دهید. اجازه می‌دهید که تصمیم‌گیری در نهادهای مهم را تسخیر کنند. تلاش خواهند کرد که ملت نتیجه عملیاتی از انتخاب خود نگیرد. این یکی از مهم‌ترین علل کاهش مشارکت است.

۴- اما پرده اساسی اینجاست که یک رژیم شناختی و یک سازه فکری از طرف اصولگرایی ایجاد شده است که فهم از موقعیت را برای خود و هوادارانش ناممکن می‌کند و این مهم‌ترین ویژگی تفکر آنان است که سبب می‌شود به دامن نوعی رفتار فرقه‌ای بفتند. جناب آقای ضرغامی گفته‌اند: «درس‌های ۸ تیسر را به فضل الهی مرور خواهیم کرد/ بنای تاریخی روحانیت در کشور نیاز به مرمت دارد، جای مطهری خالی است».

پاسخ این است: نمی‌توانید. اصولگرایی سیاسی به دلیل ساختار ضد فکری خود اساساً نمی‌تواند بیندیشد، چون قوه فکری خود را به اسارت درآورده است. در همین انتخابات دیدید که جامعه اصولگرایی در بی‌کسب نظر فلان منبری و بهمان مداح بود. نه اینکه فکر کنید این رفتار جنبه تبلیغاتی انتخاباتی داشت. نه، کاملاً مشخص بود که این فراتر از یک مرجعیت رسانه‌ای برای انتخابات است؛ بلکه این پیامد این امر است که نه فقط هواداران، بلکه نخبان این جریان سیاسی نیز عقل خود را به مداحان و منبری‌ها (و نه حتی «علما») وا نهاده‌اند.

مسئله مهم فکری این جریان این است که همه چیز و از جمله اخلاق را جدلی می‌کند. نسبی‌گرایی افراطی اخلاقی گریبان‌گیر آنان شده است. عبرت‌آموز است که آن کسانی که طبق اصول باید منادی دین و معنویت و اخلاق باشند، به ورطه دروغ و تهمت سقوط کرده‌اند. و مهم‌تر از آن اساساً امکان درک و فهم را از خود سلب کرده‌اند. چنین رویکردی به کلی نخبگان و هواداران را به اسارت فرقه‌هایی درمی‌آورد که از حداقل‌های درک سیاسی برخوردار نیستند و به خواب و رؤیا و مکاشفات دروغین و قصه‌های آرزومانی برخی سخنرانان خیال‌پرداز روی می‌آورند. عملاً جریان‌های از خرافه و شبه‌علم و مکاشفات دروغین به منبع اصلی تغذیه فکری بزرگ و کوچک آنان تبدیل شده است. دیگر جایی برای مطهری و بهشتی نمانده است. این درخت سترون است.

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳
۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۳۰ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۶۷
۵۰ هزار تومان
۱۲ + ۳۲ صفحه ویژه‌نامه فن‌زی



روزنامه

«در «شرق» امروز می‌خوانید: عباس آخوندی؛ راه باریک آزادی فعلاً گشوده است • گره ناگشودنی راه‌آهن رشت_آستارا • گزارش نشست جنسیت و اقتصاد در مؤسسه رحمان: فقر زنان ثروتمند

«شرق» ماجرای کاهش حضور در پای صندوق‌های رأی و بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به برگزاری انتخابات را واکاوی می‌کند

معمای مشارکت



انتخابات چهاردهم ۲ دوره‌ای شد؛ جلیلی و پزشکیان بار دیگر مقابل هم قرار می‌گیرند

وعده تاریخی در نیمه تیرماه

یادداشت

اقتصاد ملی، انتخابات و هزار وعده خوبان



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

سال‌ها پیش در دوران دانشجویی، استاد محترمی با استناد به گزارش منتشرشده یک نشریه معتبر خارجی، بحثی را سر کلاس ارائه داد که چگونه دولت‌های مستقر در آمریکا در ایام انتخابات تلاش می‌کنند با ایجاد بهبود نسبی در شرایط اقتصادی، در نتایج انتخابات اثر گذاشته و حزب رقیب را به‌اصطلاح آچمز بکنند. آن روزها من و امثال من که بنا بر اقتضانات دوران جوانی آرزوهای بزرگی برای کشورمان در سر داشتیم، با مشاهده بی‌صداتی دولتمردان آمریکایی و سادولوچی شهروندانی که فریب این طراران را می‌خورند، از خود می‌پرسیدیم که چگونه حافظه تاریخی یک ملت می‌تواند تا این حد تخریب شود که برای ارزیابی کارنامه یک دولت به جای تامل در تحولات چهارساله، فقط چند هفته اخیر را ملاک قرار داده و براساس آن تصمیم بگیرد. آن روزها هرگز گمان نمی‌کردم روزی برسد که جامعه ما هم دچار وضعیتی مشابه بشود.

سال‌هاست که در ایام انتخابات نامزدها با حرارت و سخاوت تمام وعده‌های عجیب‌وغریبی را به جامعه رای‌دهندگان می‌دهند. یکی وعده سه‌برابردن یارانه را می‌دهد، دیگری آن را پنج برابر می‌کند! رئیس دولتی که برای دوره دوم نامزد شده، یک ماه مانده به انتخابات ناگهان یادش می‌افتد که با جامعه بازنشستگان باید مهربان‌تر بود؛ به‌همین دلیل مقدمات افزایش مستمری آنان را فراهم می‌آورد و البته بعد از برگزاری انتخابات وجوه واریزی را برگشت می‌زند! یا اینکه یک ماه قبل از انتخابات سیب‌زمینی توزیع می‌کند و البته پول خرید آن را به تولیدکنندگان بخت‌برگشته پرداخت نمی‌کند! یکی وعده یک‌رقمی کردن تورم را می‌دهد، اما در عمل بر آتش کوره تورم می‌افزاید! آن دیگری ادعا می‌کند راز افزایش ارزش پول ملی را بلد است، اما با دستیابی به قدرت این راز را همچنان سر به‌مهر نگه می‌دارد تا کمر اقتصاد ملی بیشتر و بیشتر خرد بشود! موارد زیادی از این وعده‌های انتخاباتی را می‌توان در ادامه این فهرست آورد، اما ضرور آنها جز افزایش تالمات روحی خوانندگان نتیجه‌ای ندارد. با این حال سؤالی که ارزش اندیشیدن دارد، این است که چرا چنین وضعیتی در جامعه ما پدید آمده و چرا فرهنگ رقابت انتخاباتی تا این حد تنزل کرده

یادداشت

حضور در انتخابات با تجدید قوا



کیاکوس پورابویی

اگر اقبال مردم به انتخابات هشتم تیر از ۵۰ درصد بالاتر می‌رفت، قطعاً مسعود پزشکیان برنده اصلی انتخابات در دور اول می‌شد. اما چه باید کرد؟ متأسفانه درباره انتخابات، آنچه در طول سنوات گذشته کاشته‌شد، امروز باید درو کنند. ریزش رای در هر دو جناح واقعیتی است کنمان‌ناپذیر، حال اصلاح‌طلبان بگویند در زمانی که ما در قدرت بودیم با کارشکنی و مانع‌تراشی گذاشتند کاری از پیش ببریم و اکثر اقدامات‌مان ابرتر مانده، جای تامل دارد! ولی ریزش رای اصولگرایان جای سؤال است. با یک‌دست شدن حاکمیت، میزان رای مرحوم رئیسی از ۱۸ میلیون به ۹ میلیون رای سقوط کرده است. در این میان، آرای قالیباف در سید اصولگرایان نمی‌گنجد؛ درصد بالایی که به قالیباف رای دادند به علت مدیریت و تجربه ایشان بوده است، بنابراین آن سه میلیون و اندی رای را نمی‌توان فقط در سید رای اصولگرایان گذاشت. سید رای هرچند بالانس نیست، اما اصلاح‌طلبان می‌توانند در این کارزار آرای بیشتری از سید رای قالیباف را نصیب خود کنند. در مرحله دوم چند کار اساسی لازم است تا اصلاح‌طلبان برای پیروزی در انتخابات انجام دهند؛ اول حضور دوباره و همه‌جانبه ۱۰ میلیون و اندی که در مرحله اول به پزشکیان رای دادند و در این مرحله مردد نشوند، دوم جذب آرای قالیباف است. در هر حال، مطمئناً کسانی که به قالیباف رای داده‌اند گوش به فرمان ایشان

رهبر انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره بین‌المللی شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت مدافعان حرم نجات دهنده ایران و منطقه

برگزیده‌ها

رئیس مجلس در حمایت از نامزد جریان انقلابی بیانیه داد
خودزنی به سبک قالیباف

پیشنهادهایی برای دولت آینده
در گفت‌وگو با حسین قناعتی و امیراباشا طباطبایان

مشکل ما شیوه حکمرانی است

جست‌وجو برای یافتن بیکر کارگران
در معدن شازنده اراک ادامه دارد

۲ هفته زیر آوار

گزارش «شرق» از ۷ شبانه‌روز عروسی
در جزیره قشم

اینجا عروسی یک «عیش» مردانه است

جایی برای بهانه در این گروه نیست

بعید است مردم گول بخورند

ذره‌بین

در دفاع از نظرسنجی‌ها

یادداشتی از علی‌اصغر سیدآبادی

یادداشت

اشتباهات ستاد دکتر پزشکیان



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

با وجود اینکه دکتر پزشکیان نفر اول دور نخست انتخابات است، اما آرای او بسیار پایین‌تر از حد انتظار است (حدود ۱۶ درصد از واجدان شرایط). حتی اگر ایشان در دور دوم با درصدی مشابه رئیس‌جمهور شود، پشتیبانی مردمی کافی برای عبور از سدهای موجود را نخواهد داشت. از ابتدا روشن بود که مهم‌ترین مسئله در این دور انتخاباتی مشارکت است. میزان مشارکت قرار بود مشخص کند که آیا تحولی در ذهنیت کسانی که در سه دوره انتخاباتی پیشین شرکت نکردند، حاصل شده است یا خیر. اجماع وجود داشت که نتیجه انتخابات به میزان مشارکت بستگی دارد. اما مشکل این بود که سیاستی که دکتر پزشکیان و ستاد ایشان و حامیان اصلاح‌طلبشان برای افزایش مشارکت اتخاذ کردند، نه‌تنها اثراً نشد، بلکه نتیجه عکس داشته و از میزان مشارکت نسبت به دوره قبل کاسته است.

چنین نتیجه‌ای قبل از هر چیزی می‌تواند لطمه‌ای جدی به اعتبار احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب وارد کند که ضرر آن برای کشور بیشتر است. به نظر من یکی از دلایل این وضعیت اشتباهات دکتر پزشکیان، ستاد ایشان و حامیان ایشان است. امیدوارم تصحیح این اشتباهات به جلوگیری از قرارگرفتن قوه مجریه در دست تیمی که برای آینده کشور خطرناک است، کمک کند. نگارنده در دو، سه هفته گذشته مطالبی درباره سیاستی که باید مبنای کار دکتر پزشکیان و حامیان ایشان باشد، نوشتم. (شرق، ۲۲ خرداد، شرق ۲۸ خرداد، رویداد ۳۰، ۲۴ خرداد، چهاران، ۴ تیر. دنیای اقتصاد ۶ تیسر و خبرآنلاین ۶ تیر) تأکید نگارنده بر این بود که این بار تنها و تنها تمرکز بر محتوا و مضامین سیاسی و برنامه و تعهد در مبارزات انتخاباتی ممکن است آنچه را که «قشر خاکستری» خوانده می‌شود (البته به غلط) به میدان بیاورد.